

## آغاز محاکمه شبکه خانوادگی فساد به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار

جلسه محاکمه شبکه خانوادگی فساد در واردات روغن و اخلال در بازار ارز با ۱۶ متهم حقیقی و ۳ متهم حقوقی در شعبه اول دادگاه ویژه رسیدگی به جرایم اخلالگران اقتصادی برگزار شد.

به گزارش گروه اجتماعی ایسکانیوز، قاضی موحدی آزاد وضعیت دادگاه محمد خرمی پور، مهدی خرمی پور، تیمور عامری برکی، علیرضا عامری برکی، مکی سلطانی، کاظم نجفی فراهانی، محمدحسین زندیه، محمد حسین و کیلی، امید صابرخیابانی، محمد زندیه، سیدحمیدرضا مصطفی، معصومه خرمی پور، منیره خرمی پور، شهرام تیموری، علی اصغر سلطانی گهر، مجید شفیعی، و بابک حسینی را به عنوان متهمان حقیقی و شرکت های دولفین آبی، دکاتجارت آتی و کشت و صنعت سبز سبحان را ۳ متهم حقوقی این پرونده عنوان کرد.

در اولین جلسه محاکمه، کیفرخواست این متهمان قرائت و اعلام شد متهمان این پرونده به مشارکت یا معاونت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز به صورت شبکه‌ای و سازمان یافته در حد کلان به میزان ۱۵۰ میلیون دلار متهم هستند.

در ابتدای جلسه قاضی موحد اعلام کرد: ۱۰ نفر از متهمان فراری هستند و از متهم کاظم نجف‌آبادی فراهانی خواست تا در جایگاه برای دفاع از خود حاضر شود.

این متهم ضمن رد تمام اتهامات وارده گفت: ۱۰ سال است که در بورس فعالیت کرده ام و با بسیاری از شرکت‌های بازرگانی و تولیدی ارتباط داشتم و از طریق یکی از دوستانم با شرکت محمد خرمی پور که در زمینه صادرات زعفران فعالیت داشت، آشنا شدم و پس از آن که فهمیدم وی در اربیل عراق فعالیت بازرگانی دارد، تصمیم گرفتم به دلیل آن که کشور در تحریم بود با آن‌ها فعالیت کنم.

متهم نجف‌آبادی ادامه داد: خرمی پور نیز مدیر شرکت دلفین آبی من را به شرکت خود دعوت کرد و گفت که ما در زمینه صادرات خوش نام هستیم و می‌خواهیم روغن خام از روسیه وارد کنیم و بعد با بسته‌بندی و برند خودمان آن‌ها را صادر کنیم.

وی گفت: تمام ثبت سفارشات به صورت قانونی انجام شده و در سال ۹۶، ۱۰۰ ثبت سفارش برای شرکت دلفین آبی و در سال ۹۷، ۱۰۰ ثبت سفارش دیگر برای شرکت دکا تجارت انجام شد که ارزش محموله‌ها ۵۰ میلیون یورو بود.

نجف‌آبادی با اشاره به اینکه به ۲۰ عدد از این محموله‌ها ارزی اختصاص نیافت، گفت: بنده ۶۵ درصد معلولیت دارم و جز ایثارگران دفاع مقدس هستم و در تمام مراحل اخذ و ثبت سفارش‌ها قانون به صورت کامل رعایت شده، بنده فعال بورس کالا هستم و در قبال فعالیت و کاری که انجام دادم مبلغی را به عنوان حق‌الزحمه دریافت کردم و هرکاری که کردم بر اساس روال متعارف بورس بوده است.

وی گفت: استشهادیه همکاران فعال در بورس موجود است و من از طریق فعالان بورس با تیمور عامری که فردی خوشنام بود، آشنا شدم و موضوع فعالیت شرکت محمد خرمی پور را با او مطرح کردم که منجر به ملاقات این دو نفر در صرافی عامری شد، البته در تفاهم‌نامه تنظیمی ما بین آن‌ها من هیچ نقش و سمتی نداشتم.

متهم نجف‌آبادی فرهنگی گفت: برای تسریع در فرایند ثبت‌ها از سه نفر از مسئولان شرکت دلفین آبی، دکا تجارت و سبحان سبز استفاده کردیم که در سال ۹۶ مبلغ ۷۵۰ هزار تومان و در سال ۹۷ مبلغ یک میلیون تومان به صورت ماهیانه به آن‌ها اعطا شد.

وی تصریح کرد: البته شرکت خرمی پور هنوز مبلغ ۲۰۷ میلیون تومان به من بدهکار است و من از تعهدات ارزی آن‌ها بی‌خبر هستم و خودشان باید جوابگو باشند.

متهم نجف‌آبادی گفت: شرکت محمد خرمی‌پور در حوزه صادرات و واردات و به صورت خانوادگی اداره می‌شد و بنده هیچ نسبتی با نام‌برندگان نداشتم و تنها در قبال زحمات خود مقداری معین که حتی کمتر از عرف تجارت بود می‌گرفتم و مدتی طولانی است که من در تودیع وثیقه ناتوانم و در زندان هستم درحالی‌که اقدامی خلاف قانون انجام نداده‌ام و درخواست صدور حکم برائت و تعیین میزان وثیقه کمتر را خواهانم.

قاضی از متهم پرسید: شما مجوز فعالیت در بورس را دارید؟ متهم پاسخ داد: من کارمند بورس نبودم اما مثل صدها نفر دیگر ارتباط خریدار و فروشنده را ایجاد می‌کردم.

قاضی پرسید: شما جایی گفتید جانباز هستید؟

متهم گفت: من چنین چیزی نگفتم. برخی ذهنیت خود را مطرح کردند.

قاضی پرسید: مجید شفیعی را از کجا می‌شناسید؟

متهم گفت: در پروژه‌ای با هم آشنا شدیم و ارتباطمان برقرار ماند.

قاضی از متهم نجف‌آبادی پرسید: به غیر از آقای خرمی‌پور با آقای شفیعی همکاری داشتید؟ متهم مجدد پاسخ داد: سال ۹۵ مجوز حدود ۱۲ هزار تن گندم را گرفتم و بعد با آقای شفیعی آشنا شدم.

قاضی از متهم خواست تا توضیح دهد به‌غیر از شرکت آقای خرمی‌پور، با شرکت دیگری همکاری کرده یا خیر که متهم پاسخ داد: با چند شرکت کار کردم.

قاضی پرسید: حق‌الزحمه را چطور می‌گرفتید؟

متهم گفت: برخی موارد در بورس عرف بود.

قاضی تاکید کرد: شما مجوز نداشتید.

متهم گفت: ما با کارگزارانها همکاری می‌کردیم.

قاضی دادگاه گفت: چقدر اموال دارید، میزانش را بگویید: متهم پاسخ داد: دو خانه دارم که یکی ارث پدری است و یکی هم در سال ۹۷ خریدم. یک پژو هم دارم.

قاضی پرسید: شما چقدر به آقای شفیع‌ی پرداخت کرده‌اید؟

متهم پاسخ داد: ایشان به همراه پسرش کار می‌کرد که در طول یک سال مبلغ ۷۵ میلیون تومان دریافت کرد.

قاضی پرسید: کجا این کار انجام می‌شد؟ متهم پاسخ داد: می‌گفتند دفتر دارند.

قاضی پرسید: چند سال با شفیع‌ی آشنا هستید؟ متهم پاسخ داد: از سال ۹۶ آشنا هستیم و تلفنی قرارها را هماهنگ می‌کردیم.

وی در پاسخ به سوال قاضی که پرسید چرا برای کارتان به کارمند وزارت صمت مراجعه کردید، گفت: ورود به سیستم یکسری اطلاعات می‌خواهد.

قاضی پرسید: چرا به کافی‌نت مراجعه نکردید؟ متهم پاسخ داد: لزومی نداشت.

قاضی گفت: شما در مجموع ۱۴۵ میلیون تومان به حساب آقای شفیع‌ی ریخته‌اید.

متهم گفت: آن مبلغ مربوط به شرکت آرد پرند است.

قاضی مجدد پرسید: محمدحسین زندیه را از کجا می‌شناسید؟ متهم پاسخ داد: وقتی وارد شرکت شدم ایشان در آن شرکت کار می‌کرد.

قاضی گفت: از دفتر آقای زندیه مهر و سربرگ کشف شده و گفته اینها را شما به وی داده‌اید. متهم گفت: من چیزی به ایشان ندادم.

قاضی گفت: شما بدون مجوز و تحصیلات به خیلی از حوزه‌ها ورود کرده‌اید که این مسئله غیرمتعارف است.

متهم گفت: من اطلاعات را از بورس می‌گرفتم و هر کارگزاری این موارد را عرضه می‌کرد.

قاضی پرسید: آقای شفیع‌ی چه کمکی به شما می‌کرد؟ متهم پاسخ داد: ایشان کارمند وزارت صمت در بخش ثبت سفارش بود.

قاضی پرسید: همکاری بعدی ایشان چه بود؟ متهم گفت: همکاری دیگری نداشتیم.

قاضی در ادامه با قرائت بخشی از کیفرخواست گفت: شما در تخصیص ارز نقش قابل توجهی داشتید. متهم پاسخ داد: قبول ندارم. من تخصیص‌دهنده نیستم و فقط فعال بورس کالا هستم.

قاضی موحدی گفت: شما از شرکت‌های خارجی پیش‌فاکتور می‌گرفتید و پیشنهاد خرید ارز دولتی نیز مطرح کرده‌اید، در این مورد چه پاسخی دارید؟ متهم گفت: این اتهامات را قبول ندارم.

قاضی گفت: شما طرف قرارداد بودید چون درصد می‌گرفتید. متهم پاسخ داد: من حق‌الزحمه خودم را می‌گرفتم.

قاضی موحد تاکید کرد: این توافق نشانه تبانی است. متهم گفت: همه ثبت سفارش‌هایی که من انجام دادم قانونی بود.

قاضی گفت: ممکن است بخشی از فرایند قانونی باشد اما نتیجه این است که تبانی کردید تا ارز دولتی را در بازار آزاد بفروشید. همچنین مراجعه شما به آقای شفیعی به واسطه کارمند صمت بودن ایشان بود.

متهم گفت: در ثبت سفارش کسی باید از صبح پای سیستم بنشیند چون گاهی سیستم شلوغ است. ثبت سفارش یک سامانه است که برخی اطلاعات را می‌گیرد. پروفرم‌ها را علیرضا عامری به من می‌داد و بانک عامل را هم محمد خرمی‌پور به من اعلام می‌کرد، من نیز این اطلاعات را به مجید شفیعی می‌دادم چراکه وی یک اپراتور وارد به کار بود.

انتهای پیام/